



مطابق با پژوهش‌های معتبر درباره وضعیت دینداری مردم ایران، شرکت در مناسک دینی رشد چشم‌گیری داشته است

ملت حسین

مانند اعتقاد به خدا، پیامبر و معصومین (ع)، معاد و آخرت و نظایر این، شاهد ثبات در دینداری بوده و حدود ۹۸ درصد مردم ایران به این اصول دینی اعتقاد دارند. بیش از ۸۰ درصد مردم ایران نیز اهل نماز (دائم یا گاهی) و روزه گرفتن هستند. نکته‌ی قابل توجه آن است که ابعاد بیرونی رفتار دینداری مردم مانند شرکت در مراسم عزاداری سیدالشهدا، شرکت در مراسم اعتکاف، زیارت اماکن مقدسه به شدت افزایش یافته است. در مقایسه‌های که بین سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۸ در این باره انجام گرفته است، میزان شرکت در مجالس روضه‌خوانی از حدود ۵۷ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۷۵ درصد در سال ۱۳۸۸ افزایش پیدا کرده است. میزان زیارت اماکن مقدس نیز از ۷۰ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۷۸ درصد در سال ۱۳۸۸ افزایش پیدا کرده است. مثلاً در حالی که در اوایل دهه‌ی ۸۰، یک میلیون نفر به مشهد مقدس سفر می‌کردند، این آمار در حال حاضر به بیش از ۲۰ میلیون نفر رسیده است.

بنابراین «دست‌هایی - تبلیغات دروغین و گاهی احمقانه و گاهی خبیثانه - می‌خواهند این طور وانمود کنند که مردم در سابق، از حالا دیندار تر و با اخلاقت بودند! این، دروغ است. آن سابقی که ما یادمان است، انسان که در ماه رمضان به شهر تهران وارد می‌شد، اصلاً حال و هوای روزه در این شهر نبود! مردم راه می‌رفتند و راحت سیگار می‌کشیدند، غذا می‌خوردند، ساندویچ می‌خورند! اصلاً کسی احساس نمی‌کرد که این جا روزه است... امروز شما نگاه کنید! (۳)

می‌سازد، و آن کارخانه، «جامعه‌ی اسلامی» است.» (طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن)

انقلابی به نام دین

۱۴ قرن بعد از آنکه کارخانه‌ی انسان‌سازی پیامبر در مدینه‌النبی آغاز به کار کرد، در گوشه‌های دیگر از جهان، در کشوری به نام ایران، و به رهبری فردی پیامبرگونه، «انقلابی به نام دین» به ثمر رسید که بطلان همه‌ی نظر‌های سیاسی معاصر بود. در زمانه‌ای که تصور بر این بود مقوله‌ای به نام «دین» توانایی باز تولید فرهنگی در جامعه ندارد، انقلاب اسلامی ایران، به تعبیر فوکو «روح یک جهان بی‌روح» شد و نشان داد که کماکان، عنصر «دین»، مهم‌ترین عامل محرک انسان‌ها است و هم‌چنان این کارخانه‌ی عظیم، در حال انسان‌سازی است.

آیا جامعه ایران، جامعه‌ای دیندار است؟

حال سؤال آن است که بعد از گذشت چهل سال از انقلاب، آیا سکه‌ی دین همچنان در جامعه‌ی ایران رایج است یا نه؟ به زبان دیگر، آیا جامعه‌ی ایران، جامعه‌ای دیندار است یا آنچنان که بعضی تصور می‌کنند جامعه‌ی ایران شاهد افول دینداری است؟ پرسش مهمی است که پاسخ درست به آن می‌تواند ما را به فهم درست از جامعه‌ی ایران رهنمون کند. برای مثال مطابق با پیمایش‌ها و پژوهش‌های معتبر انجام‌شده درباره‌ی وضعیت دینداری در ایران از ابتدای انقلاب تا به امروز، این نتیجه مشخص می‌شود که در بعد مسائل اصلی دین،

«گفتیم که پیغمبر می‌آید برای به تکامل رساندن انسان... پیغمبر برای ساختن انسان‌ها می‌آید... از چه راهی و از چه وسیله‌ای پیغمبر استفاده می‌کند برای ساختن انسان؟ چه جوری انسان‌ها را پیغمبر می‌سازد؟ مدرسه درست می‌کند؟ مکتب فلسفی درست می‌کند؟ پیغمبر صومعه و جایگاه عبادت درست می‌کند؟ گفتیم که نه؛ پیغمبر برای ساختن انسان، کارخانه‌ی انسان‌سازی درست می‌کند. پیغمبر ترجیح می‌دهد که ده سال، بیست سال، دیرتر موفق بشود؛ اما آنچه می‌سازد، یک انسان و دو انسان و بیست تا انسان نباشد؛ کارخانه‌ی انسان‌سازی درست کند که به‌طور خودکار انسان کامل پیغمبر پسند تولید بدهد.

پس پیغمبر برای ساختن انسان‌ها و به قوام آوردن مایه‌ی انسان، کارخانه‌ی انسان‌سازی استفاده می‌کند. کارخانه‌ی انسان‌سازی چیست آقا؟ کارخانه‌ی انسان‌سازی، جامعه و نظام اسلامی است. اینجا آن نقطه‌ی اساسی توجه و تکیه‌ی حرف است. همه می‌گویند پیغمبر انسان می‌خواهد بسازد... آنچه که با دقت باید فهمید این است که پیغمبر یکی یکی گوش انسان‌ها را نمی‌گیرد به یک کنج خلوتی برود در گوش‌شان زمزمه‌ی مهر خدا بنوازد. پیغمبرها مکتب علمی و فلسفی تشکیل نمی‌دهند تا یک مشت شاگرد درست کنند، این شاگردها را بفرستند تا مردم را در اقطار عالم هدایت کنند. پیغمبر کارش از این قرص و قائم‌تر، استوارتر و ریشه‌دارتر است. چه کار می‌کند؟ یک کارخانه‌ای که از آن کارخانه جز انسان بیرون نمی‌آید

هیئت تراز | ۲۴
روی مسئله خانواده تکیه کنید

روایت هفته | ۲۵
کار جامعه اسلامی تمام است اگر...

گزارش هفته | ۲۶
۶ تصمیم خبرگان در ۱۴ خرداد ۶۸

تربیت‌شده‌های اهل بیت اینگونه اند | این شماره تقدیم می‌شود به ارواح طیبه شهدای کربلا خصوصاً حضرت قاسم ابن الحسن (ع)

یکی از این قضایا، قضیه به میدان رفتن «قاسم‌بن الحسن» است که صحنه بسیار عجیبی است. قاسم‌بن الحسن (ع) یکی از جوانان کم‌سال دستگاه امام حسین است. نوجوانی است که «لم یبلغ الحلم»؛ هنوز به حد بلوغ و تکلیف نرسیده بوده است. در شب عاشورا، وقتی که امام حسین (ع) فرمود که این حادثه اتفاق خواهد افتاد و همه کشته خواهند شد و گفت شما بروید و صاحب قبول نکرده که بروند، این نوجوان سیزده، چهارده ساله عرض کرد: عمو جان! یا من هم در میدان به شهادت خواهیم رسید؟ امام حسین خواست که این نوجوان را آزمایش کند - به تعبیر ما - فرمود: عزیزم! کشته‌شدن در ذائقه تو چگونه است؟ گفت «حلی من العسل»؛ از عسل شیرین تر است. ببینید! این، آن جهتگیری‌ارزشی در خاندان پیامبر است. تربیت‌شده‌های اهل بیت اینگونه اند. ● ۷۷/۲/۱۸



روی مسئله خانواده

تکیه کنید

در این برهه‌ی از زمان روی مسئله‌ی خانواده تکیه کنید. دشمن - نه دشمن ایران یا دشمن انقلاب؛ دشمن بشریت - تصمیم گرفته که نظام خانواده را در بین بشر از بین ببرد. خانواده سنت الهی است. دشمن بشریت یعنی جریان سرمایه‌داری بین‌المللی و صهیونیسم تقریباً از حدود صد سال پیش تصمیم گرفتند که خانواده را در بین بشر از بین ببرند؛ و یک جاهایی موفق شدند. در آن جاهایی که از خدا دور بودند موفق شدند، در یک جاهایی هم از جمله در ایران اسلامی ما موفق نشدند اما دارند تلاش می‌کنند. این ازدواج‌های سخت، این ازدواج‌های دیر، این فرزندآوری کم، این به تعبیر غلط زشت‌شان «ازدواج‌های سفید» - که سیاه‌ترین نوع زندگی مزدوج است - همه‌ی اینها به خاطر این است که خانواده از بین برود. ● ۹۷/۱۲/۷

همه یاران حسینی، صاحبان

بصیرت بودند؛ اما او بصیرت را

بیشتر نشان داد

در زیارات و کلماتی که از ائمه (علیهم‌السلام) راجع به ابوالفضل العباس رسیده است، روی دو جمله تأکید شده است: یکی بصیرت، یکی وفا. بصیرت ابوالفضل العباس کجاست؟ همه‌ی یاران حسینی، صاحبان بصیرت بودند؛ اما او بصیرت را بیشتر نشان داد. در روز تاسوعا... وقتی که فرصتی پیدا شد که او خود را از این بلا نجات دهد؛ یعنی آمدند به او پیشنهاد تسلیم و امان‌نامه کردند و گفتند ما تو را امان می‌دهیم؛ چنان بر خورد جوانمردانه‌ای کرد که دشمن را پشیمان نمود. گفت: من از حسین جدا شوم؟! وای بر شما! اف بر شما و امان‌نامه‌ی شما! نمونه‌ی دیگر بصیرت او این بود که به سه نفر از برادرانش هم که با او بودند، دستور داد که قبل از او به میدان بروند و مجاهدت کنند؛ تا این که به شهادت رسیدند. می‌دانید که آنها چهار برادر از یک مادر بودند: ابوالفضل العباس - برادر بزرگ‌تر - جعفر، عبدالله و عثمان. انسان برادرانش را در مقابل چشم خود برای حسین بن علی قربانی کند؛ به فکر مادر داغدارش هم نباشد که بگوید یکی از برادران برود تا این که مادر دلخوش باشد؛ به فکر سرپرستی فرزندان صغیر خودش هم نباشد که در مدینه هستند؛ این همان بصیرت است. وفاداری حضرت ابوالفضل العباس هم از همه جا بیشتر در همین قضیه‌ی وارد شدن در شریعه‌ی فرات و نوشیدن آب است. ● ۷۹/۱/۲۶

۶ تصمیم خبرگان در ۱۴ خرداد ۶۸

۱. اولین تصمیم خبرگان، پذیرش استعفا‌ی آیت‌الله منتظری از قائم مقامی رهبری بود؛ پیرو نامه‌ی امام خمینی در ششم فروردین ۶۸ خطاب به آیت‌الله منتظری، وی از سمت قائم مقامی رهبری استعفا نموده بود. در اولین اقدام، این استعفا به رأی اعضای مجلس خبرگان گذاشته شد و با اکثریت قریب به اتفاق پذیرفته شد. تنها دو نفر موافق پذیرش استعفا نبودند.

۲. هنگام ارتحال بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، شورای بازنگری قانون اساسی در حال تغییر برخی از بندها و مفاد آن بود و هنوز قانون اساسی جدید به رأی مردم گذاشته نشده بود. موضوع دومی که در این جلسه مورد بحث قرار گرفت این بود که قانون اساسی فعلی ملاک عمل قرار گیرد یا قانون اساسی جدید؟ نهایتاً آنچه عملاً مورد توافق اعضا قرار گرفت، تعیین رهبر

قانونی بر اساس قانون اساسی وقت تا زمان برگزاری فراندوم، و پس از فراندوم قانون اساسی، انطباق شرایط جدید رهبری با رهبر یا رهبران منتخب جلسه‌ی فعلی بود.

۳. در قانون اساسی مصوب سال ۵۸ شرط «مرجعیّت» به عنوان یکی از شرایط و صفات رهبر نظام جمهوری اسلامی ذکر شده بود؛ این اصل در قانون اساسی جدید به «صلاحیت افتاء در ابواب مختلف فقه» تغییر کرده بود. امام خمینی نیز در نامه‌ای به مجلس خبرگان در این باره فرموده بودند: «مجتهد عادل مورد تأیید خبرگان محترم سراسر کشور کفایت می‌کند.» نهایتاً همین نظر امام ملاک انتخاب اعضای مجلس خبرگان رهبری قرار گرفت.

۴. در خلال مباحثی که اعضای مجلس خبرگان در

پنج درس از قیام عاشورا به روایت رهبر انقلاب

کار جامعه اسلامی تمام است اگر...

مبارزه و قیام علیه انحراف جامعه، واجب‌ترین کارهاست

اگر بخواهیم هدف امام حسین (علیه‌السلام) را بیان کنیم، باید این طور بگوییم که هدف آن بزرگوار عبارت بود از انجام دادن یک واجب عظیم از واجبات دین که آن واجب عظیم، راهیج کس قبل از امام حسین - حتی خود پیغمبر - انجام نداده بود... واجبی بود که در بنای کلی نظام فکری و ارزشی و عملی اسلام، جای مهمی دارد... امام حسین باید این واجب را عمل می‌کرد تا درسی برای همه‌ی تاریخ باشد... حالا چرا امام حسین این کار را بکند؟ چون زمینه‌ی انجام این واجب، در زمان امام حسین پیش آمد... این واجب عبارت بود از بازگرداندن جامعه‌ی اسلامی به خط صحیح. چه زمانی؟ آن وقتی که راه، عوضی شده است و جهالت و ظلم و استبداد و خیانت کسانی، مسلمین را منحرف کرده و زمینه و شرایط هم [برای قیام] آماده است... این مطلب، اساس معارف حسینی است. معارف حسینی، بخش عظیمی از معارف شیعه است. این پایه مهمی است و خود یکی از پایه‌های اسلام است. ۷۴/۲/۱۹

۳. انجام تکلیف اصل است نه نتیجه

بعضی خیال کردند امام حسین (علیه‌السلام) اگر می‌دانست شهید می‌شود، اقدام نمی‌کرد؛ بعضی هم از آن طرف گفتند امام حسین (علیه‌السلام) اصلاً برای اینکه شهید بشود، قیام کرد. هر دو اشتباه است. امام حسین (علیه‌السلام) برای تعلیم درسی به انسان‌ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه‌ی او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زورگویی و چپاولگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکنند و وضع را برگرداند؛ چه این قیام او به نتیجه برسد و چه نرسد. بارها امام گفتند ما برای نتیجه اقدام نمی‌کنیم، ما برای وظیفه اقدام می‌کنیم. ما اقدام می‌کنیم برای اینکه وظیفه‌مان را انجام داده باشیم. البته خدای متعال اگر عمل ما از روی اخلاص باشد، ما را به نتیجه هم خواهد رساند. این روح کار امام حسین بود. ۶۴/۷/۲

همیشه باید وظیفه اصلی را تشخیص بدهیم

یکی از این درس‌ها، این نکته‌ی مهم است که حسین بن علی علیه‌السلام و اسلام، در یک فصل بسیار حساس تاریخ اسلام، وظیفه‌ی اصلی را از امیان و وظایف گوناگون و دارای مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه را به انجام رساند. او در شناخت چیزی که آن روز دنیای اسلام به آن احتیاج داشت، دچار توهم و اشتباه نشد. در حالی که این، یکی از نقاط آسیب‌پذیر در زندگی مسلمین، در دوران‌های مختلف است. ۷۱/۵/۷

۱۴ همه جا روزه دار است، همه جا در حال ذکر و در حال توجه است و بهترین روزه داران از میان جوانانند. جلسات قرآن، جلسات دعا، جلسات توسل، جلسات تضرع و سخنرانی‌های طولانی هست... اعتکاف نیز همین طور بود. اصلاً اعتکاف در گذشته خیلی کم بود... امروز جوانان ما - در دنیایی که نسل جوان روز به روز رو به فساد بیشتر می‌رود - در این مملکت، روز به روز پاکیزه‌تر، طاهر تر و نورانی‌تر می‌شوند. ۱۲/۱۰/۷۶ البته بیان محاسن و خوبی‌های مردم ایران بدان معنی نیست که چشم را بر روی کاستی‌ها و ضعف‌ها ببوشانیم و آنها را نادیده بگیریم. درد را باید دید و در صدد درمان آن برآمد، که اتفاقاً این دردها نیز عمدتاً ناشی از بروز رفتارهای غیر دینی جامعه بوده است.

نسبت ر شده‌ها به دشمنی‌ها

اما رشد وضعیت دینداری در ایران در حالی است که «ما مواجه هستیم با یک حمله‌ی همه‌جانبه؛ یک جبهه‌ی عظیمی از لحاظ فرهنگی دارند به ما تهاجم می‌کنند؛ این هم در خلال حرف‌هایشان هست، البته ما می‌دانستیم این حرف را، اما حالا دیگر خودشان هم صریحاً می‌گویند که «غلبه‌ی بر جمهوری اسلامی و غلبه‌ی بر حاکمیت اسلام، با جنگ نظامی و با تحریم اقتصادی موفقیت‌آمیز نیست، بلکه با کار فرهنگی و نفوذ فرهنگی موفقیت‌آمیز است؛ ذهن‌ها را باید تغییر داد، روی مغزها باید کار کرد، هوس‌ها را باید تحریک کرد»؛ این را الان صریح می‌گویند» ۳۰/۵/۹۸ در حقیقت نسبت رشد دینداری را باید با تضادها و دشمنی‌هایی که پیرامون آن وجود دارد مقایسه کرد. «کسانی امیدوار بودند جوان‌های ما را از دین جدا کنند؛ طمع داشتند جوان‌های ما را سرگرم شهوات زندگی، مادیگری و امثال اینها کنند؛ اشتباه کردند. امروز عرصه‌ی جوانی ما، طبقه‌ی جوانان ما، از لحاظ کمیت و کیفیت، نسبت‌شان از مسن‌ترها اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. جوان‌های مؤمن امروز ما و کسانی که دل در گرو انقلاب دارند، که نه امام را دیدند، نه انقلاب را درک کردند، نه دوران دفاع مقدس را دیدند، انگیزه‌شان، همت‌شان از جوان‌های دوره‌ی دفاع مقدس بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ این را بنده از روی علم و اطلاع عرض می‌کنم؛ تحلیل نیست، حدس نیست. ۲۵/۲/۹۲ این است حقیقت آن انقلابی که جوشیده‌ی از ایمان‌های مردم و اعتقاد مردم و خواست حقیقی مردم است. حالا چهار نفر آدم دل‌ناده‌ی بی‌گانه یا پول‌گرفته‌ی بی‌گانه - همه‌شان یکجور نیستند - بیایند یک چیزی بگویند، اما واقعیت قضیه این است. ۲۸/۱۱/۸۵

محرم و عزاداری بر سیدالشهداء، یکی از آن مقاطعی در سال است که به خوبی بیانگر وضعیت دینداری مردم ایران است. فرهنگ عاشورا آن نقطه‌ی ثقلی است که هم «علت محدثه» می‌انقلاب اسلامی بوده است و هم «علت مبقیه» می‌ان. و تا عاشورا زنده است، این انقلاب زنده است. ●



فردی رأی آورد.

۶. بلافاصله پس از رأی اکثریت خبرگان به رهبری فردی، چند تن از اعضا با صدای بلند گفتند، پیشنهاد ما آقای خامنه‌ای است؛ به این ترتیب اولین و تنها پیشنهادی که برای رهبری فردی در دستور کار مجلس خبرگان قرار گرفت، آیت‌الله خامنه‌ای بود. خود آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان تنها مخالف، پشت تریبون رفتند و گفتگوهایی بین ایشان و اعضای مجلس شکل گرفت و نهایتاً مجلس خبرگان با ۶۰ رأی از ۷۴ نفر حاضر، به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای رأی دادند.

پس از همه‌پرسی قانون اساسی در روز ۱۵ مرداد، مجلس خبرگام جلسه‌ی دیگری را تشکیل داد و اعضا آن، ضمن تأیید انطباق شرایط قانون اساسی جدید بر آیت‌الله خامنه‌ای، بار دیگر با اکثریت قاطع، به ایشان رأی دادند.

منبع: کتاب روایت رهبری

موضوعات فوق مطرح کردند، افراد متعددی را نیز برای تصدی رهبری شورایی یا فردی پیشنهاد دادند. از این میان می‌توان به آیات و آقایان گلپایگانی، مشکینی، جوادی آملی، شیخ جواد تبریزی، خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی و حاج احمد خمینی اشاره کرد. اما به خاطر طولانی شدن جلسه، برخی اعضا پیشنهاد کفایت مذاکره در این بخش را دادند؛ درباره‌ی کفایت مذاکرات رأی گیری شد، حاضرین ۷۴ نفر اعلام شدند و با قیام اکثریت، کفایت مذاکرات رأی آورد. بنابراین برای هیچ یک از افراد پیشنهادی رأی گیری انجام نشد.

۵. موضوع بعدی‌ای که در دستور کار مجلس خبرگان قرار گرفت، تصمیم بین رهبری شورایی یا فردی بود. پس از استماع نظرات موافقان و مخالفان درباره‌ی رهبری شورایی و فردی مقرر شد تا برای این موضوع اعضا رأی خودشان را اعلام کنند که با قیام اکثریت اعضا، رهبری

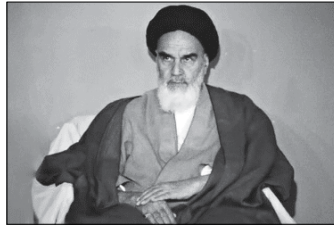
تکلیف را باید به موقع و در لحظه مناسب انجام داد

امام حسین (علیه السلام) در فهم «موقع» اشتباه نکرد. در قیل از حادثه کربلا، ده سال امامت و مسؤولیت با او بود. آن حضرت در مدینه مشغول کارهای دیگری بود و کار کربلایی نمی‌کرد؛ اما به مجرد این که فرصت به او اجازه داد که آن کار مهم را انجام دهد، فرصت را شناخت و آن را چسبید؛ موقع را شناخت و آن را از دست نداد. ۲۷/۹/۲۷ مشکل برخی از افراد و مجموعه‌ها این است: بی‌ایمان نیستند، بی‌شوق و بی‌محبت هم نیستند؛ اما لحظه‌شناس نیستند. ۲۹/۱۰/۸۸

کار جامعه اسلامی تمام است اگر...

در هر جامعه و شهر و کشوری، از یک دیدگاه، مردم به دو قسم تقسیم می‌شوند: یک قسم کسانی هستند که بر مبنای فکر خود، از روی فهمیدگی و آگاهی و تصمیم‌گیری کار می‌کنند. راهی را می‌شناسند و در آن راه - که به خوب و بدش کار نداریم - گام برمی‌دارند. یک قسم اینهاند که اسم‌شان را «خواص» می‌گذاریم. قسم دیگر، کسانی هستند که نمی‌خواهند بدانند چه درستی و چه حرکتی صحیح است. در واقع نمی‌خواهند بفهمند، بسنجند، به تحلیل بپردازند و درک کنند. به تعبیری دیگر، تابع شوند. اسم این قسم از مردم را «عوام» می‌گذاریم... خواص، طبعاً دو جبهه‌اند: خواص جبهه‌ی حق و خواص جبهه‌ی باطل. عده‌ای اهل فکر و فرهنگ و معرفتند و برای جبهه‌ی حق کار می‌کنند. فهمیده‌اند حق با کدام جبهه است... یک دسته هم نقطه‌ی مقابل حق و ضد حقتند... اگر در جامعه‌ای، آن نوع خوب خواص طرفدار حق؛ یعنی کسانی که می‌توانند در صورت لزوم از متاع دنیوی دست بردارند، در اکثریت باشند، هیچ وقت جامعه‌ی اسلامی به سر نوشت جامعه‌ی دوران امام حسین علیه‌السلام مبتلا نخواهد شد و مطمئناً تا ابد بیمه است. اما اگر قضیه به عکس شد و نوع دیگر خواص طرفدار حق - دل سپردگان به متاع دنیا، آنان که حق شناسند، ولی در عین حال مقابل متاع دنیا، پایشان می‌لرزد - در اکثریت بودند، وامصیبتاست! ۲۰/۳/۷۵





احکام آموزشی

احکام عزاداری

س: نظر شریف حضرت تعالی نسبت به ادامه‌ی حرکت دسته‌های عزاداری در شب‌های محرم تا نصف شب همراه با استفاده از طبل و نی چیست؟

ج: به راه انداختن دسته‌های عزاداری برای سیدالشهدا و اصحاب او (علیهم‌السلام) و شرکت در امثال این مراسم امر بسیار پسندیده و مطلوبی است و از بزرگ‌ترین اعمالی است که انسان را به خداوند نزدیک می‌کند، ولی باید از هر عملی که باعث اذیت دیگران می‌شود و یا فی‌نفسه از نظر شرعی حرام است، پرهیز کرد.

س: استفاده از طبل و سنج و شیپور و همچنین زنجیرهایی که دارای تیغ هستند در مجالس و دسته‌های عزاداری چه حکمی دارد؟

ج: اگر استفاده از زنجیرهای مزبور موجب وهن مذهب در برابر مردم شود و یا باعث ضرر بدنی قابل توجهی گردد، جایز نیست ولی استفاده از شیپور و طبل و سنج به نحو متعارف اشکال ندارد. ●

روایت تاریخی

فکر کن اگر نمی رفتیم چه می شد!

بعد از آن که امام سجاد (علیه‌السلام) پس از حادثه‌ی عاشورا به مدینه برگشت - شاید از آن وقتی که این کاروان از مدینه بیرون رفت و دوباره برگشته، یازده ماه فاصله شده بود - یک نفر خدمت ایشان آمد و عرض کرد: یابن رسول الله! دیدید رفتید، چه شد! راست هم می‌گفت! این کاروان در حالی رفته بود که حسین بن علی (علیه‌السلام) خورشید درخشان اهل بیت، فرزند پیغمبر و عزیز دل رسول الله، در رأس و میان آنها بود؛ دختر امیرالمؤمنین با عزت و سرافرازی رفته بود؛ فرزندان امیرالمؤمنین - عباس و دیگران - فرزندان امام حسین، فرزندان امام حسن، جوانان برجسته و زبده و نامدار بنی‌هاشم، همه با این کاروان رفته بودند؛ حالا این کاروان برگشته و فقط یک مرد - امام سجاد (علیه‌السلام) - در این کاروان هست؛ زنها سارت کشیده، رنج و داغ دیده‌اند؛ امام حسین نبوده، علی اکبر نبود، حتی کودک شیرخوار در میان این کاروان نبود. امام سجاد (علیه‌السلام) در جواب آن شخص فرمود: فکر کن اگر نمی‌رفتیم، چه می‌شد، بلکه اگر نمی‌رفتند، جسم‌ها زنده می‌ماند، اما حقیقت نابود می‌شد؛ روح ذوب می‌شد؛ وجدان‌ها پایمال می‌شد؛ خرد و منطق در طول تاریخ محکوم می‌شد و حتی نام اسلام هم نمی‌ماند. ● ۸/۱۲/۲۲

از امام حسین (علیه‌السلام) بیاموزید

حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد؛ ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد، ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطل بر جبهه‌ی ستمکاران و حکومت‌های شیطانی زد، ماهی

که به نسل‌ها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت، ماهی که شکست ابر قدرت‌ها را در مقابل کلمه‌ی حق به ثبت رساند، ماهی که امام مسلمین، راه مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ما آموخت، راهی که باید مشت گره کرده‌ی آزادی‌خواهان و استقلال‌طلبان و حقوق‌بان بر تانک‌ها و مسلسل‌ها



حضور آیت الله خامنه‌ای در مراسم عزاداری رزمندگان اسلام در سال ۱۳۶۷

ارزش شهدای کربلا

ارزش شهدای کربلا به این است که از حرم حق در سخت‌ترین شرایطی که ممکن است انسان تصورش را بکند، دفاع کردند. ● ۸۴/۵/۵

خانواده ایرانی

عامل پیروزی «حضرت زینب» بود، و الا خون در کربلا تمام شد

زینب کبری یک نمونه‌ی برجسته‌ی تاریخ است که عظمت حضور یک زن را در یکی از مهم‌ترین مسائل تاریخ نشان می‌دهد. اینکه گفته می‌شود در عاشورا، در حادثه‌ی کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد - که واقعاً پیروز شد - عامل این پیروزی، حضرت زینب بود؛ و الا خون در کربلا تمام شد. حادثه‌ی نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه‌ی عاشورا به پایان رسید؛ اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی ظاهری، تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری؛ نقشی که حضرت زینب بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز مهمی است. ● ۸۹/۲/۱

حزب الله این است

جوان مسئولیت شناس کربلا

تا وقتی اصحاب بودند، می‌گفتند جانمان را قربان شما می‌کنیم و اجازه نمی‌دادند کسی از بنی‌هاشم - فرزندان امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام - به میدان جنگ بروند. می‌گفتند اول ما می‌رویم و کشته می‌شویم، اگر بعد از کشته شدن ما خواستید، آن وقت به میدان بروید. وقتی که نوبت به جانبازی و شهادت بنی‌هاشم رسید، اول کسی که درخواست اجازه برای میدان می‌کند،

همین جوان مسئولیت‌شناس است؛ او علی اکبر، پسر آقا و پسر امام‌واز همه به امام نزدیکتر است، پس برای فداکاری از همه شایسته‌تر است. این هم یک مظهر امامت اسلامی است؛ این جایی نیست که دنیا، منافع مادی، سود اقتصادی و شهوات نفسانی تقسیم کنند؛ این جا مجاهدت و سختی است؛ اول کسی که داوطلب می‌شود علی بن‌الحسین، علی اکبر است. ● ۸۱/۱/۹

و جنود ابلیس غلبه کند و کلمه‌ی حق، باطل را محو نماید. امام مسلمین به ما آموخت که در حالی که ستمگر زمان بر مسلمین حکومت جائزانه می‌کند، در مقابل او اگر چه قوای شما نااهم‌انگ باشد بپایزید و استنکار کنید و اگر کبان اسلام را در خطر دیدید، فداکاری کنید و خون نثار نمایید. ● ۵۷/۹/۱

خطرات رهبری

اجازه ندادید نماز جماعت برپا کنید!

در همان نخستین روزهای زندان، ماه محرم سال ۱۳۸۷ قمری فرا رسید. قاسمی با من برای برپایی شعائر اسلامی در زندان همکاری می‌کرد، زندانیان را به برپایی نماز جماعت ترغیب می‌کرد. من امام جماعت نظامیان زندانی بودم و پس از نماز، برایشان سخنرانی و وعظ می‌کردم. قاسمی هم بعد از من، روضه می‌خواند. چند شبی وضع به همین منوال ادامه یافت. یک شب افسر مسئول زندان وارد شد و دید نظامیان زندانی پشت سر یک زندانی سیاسی نماز می‌خوانند! انتظار داشت وقتی وارد زندان می‌شود، سربازان به حال آماده‌باش بایستند و به او سلام نظامی بدهند؛ اما همه رویشان به سوی قبله بود و هیچکس به او اعتنائی نکرد! مشاهده‌ی این صحنه بر او گران آمد و خشمگین از زندان بیرون رفت. وقتی نماز تمام شد، یکی از مسئولان زندان نزد من آمد و گفت: شما اجازه ندادید نماز جماعت برپا کنید و برای نظامی‌ها حرف بزنید. این ممنوعیت به نفع من بود، زیرا همدلی نظامیان با من بیشتر شد. به آنها گفتم: به جلسات تان هر شب ادامه دهید و طی آن، صفحاتی از کتاب آنجا که حق پیروز است را بخوانید. این کتاب، حاوی تحلیلی از انقلاب امام حسین (علیه‌السلام) و شرح حال شهدای کربلا است. ● منبع: خون دلی که لعل شد

انسان ۲۵۰ ساله

عظمت خون‌بهای امام حسین (علیه‌السلام)

نسبت به حضرت اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) سیدالشهداء تعبیر «ثار الله» به کار رفته است، یعنی کسی که خون‌بهای او خداست - معنای ثار الله این است؛ عظمت خون‌بهای او به قدری است که جز خود خدای متعال هیچ چیز نمی‌تواند خون‌بهای این عزیزان باشد - عین همین تعبیر درباره‌ی امیرالمؤمنین است؛ چون شما می‌گویید: یا ثار الله و ابن ثاره، «ابن ثاره» یعنی امیرالمؤمنین هم در همین رتبه‌ی عظمت از لحاظ خون‌بها است. عظمت این شهید بزرگوار، شهید در محراب، شهید در راه حق، شهید قاطعیت، شهید استقامت، از این تعبیرات کاملاً آشکار است. ● ۹۵/۴/۵